

## قرآن چگونه گردآوری شد

( قسمت چهارم )

در قسمت قبلی به این موضوع اشاره کردم که اختلاف بین قرآن‌ها باعث درگیرشدن بین مسلمانان می شد و اما اکنون به برخی از این درگیری ها اشاره می کنم :

یزید نخعی می‌گوید: «در زمان ولایت ولید بن عقبه که از جانب عثمان والی کوفه بود به مسجد کوفه رفتم. در آن جا گروهی جمع بودند. در آن وقت مسجد گماشته‌ای نداشت و کسی فریاد بر آورد: آنان که پیرو قرانت ابو موسی اشعری هستند به زاویه نزدیک باب کنده و آنان که پیرو قرانت ابن مسعودند به زاویه نزدیک خانه عبد الله بیایند. دو گروه درباره آیه‌ای از سوره بقره اختلاف داشتند. یکی می‌گفت: «و اتموا الحج و العمرة للبيت» و دیگری می‌گفت: «و اتموا الحج و العمرة لله ( یوسف 32:12) و بین آنها اختلاف و درگیری بود .

ابن اشته از انس بن مالک روایت کرده است که مردم در زمان عثمان در کوفه نسبت به قرآن اختلاف داشتند. معلمی قرآن را طبق قرانت یکی از صاحبان مصحف‌ها تعلیم می‌کرد و معلمی دیگر طبق قرانت دیگر و این به اختلاف بین جوانان کشیده می‌شد. این اختلافات به معلمان می‌رسید و هر يك از قرانت دیگری را غلط می‌شمرد. (الاتقان، ج 1، ص 59. مصاحف سجستانی، ص 21) از محمد ابن سیرین نقل شده است که برخی مسلمانان قرآن می خوانند و عده دیگر قرآن آنها را مردود می شمارند (طبقات ابن سعد، ج 3، ص 62. مصاحف سجستانی، ص 25) و این موضوع باعث درگیری بین آنها می شده است . از بکیر اشج نقل شده است که در عراق هیچ کس قرآن دیگری را قبول ندارد و هر گاه کسی آیه را بخواند دیگری می گوید که آن را قبول ندارد ( دقت کنید چه جوی در آن زمان رد مورد قرآن حاکم بوده است ) ( فتح الباری، ج 9، ص 16 ) سال آغاز سازی قرآن‌ها 15 سال بعد از مرگ محمد بود یعنی سال دوم یا سوم خلافت عثمان .

بعد از 15 سال همانطور که دیدیم طبیعتا بسیاری از گفته های محمد مورد بحث و جدل مسلمانان بود . اما همانطور که دیدیم با آنکه عثمان تمام تلاش خود را برای یکسان سازی قرآن به خرج داد و آیات بسیاری را از آن کم و یا به آن افزود ولی قرآن هایی که او تهیه کرد باز هم با هم اختلاف داشتند به طبری که بعدها باز هم این اختلافات ( منتها نه به شدت قبل بین مسلمانان وجود داشت بطور مثال برخی از مردم شام می‌گفتند (مصحف ما و مصحف بصره صحیح‌تر از مصحف کوفه است )) ( مصاحف سجستانی، ص 35) و اختلاف بین قرآن‌ها عثمانی بعدها خود را بیشتر و بیشتر نشان می داد ( مصاحف سجستانی، ص 39 الی 49 )

بعد از آنکه قرآن‌ها حاضر گردید دیدیم که آنها را به مرکز مهم ارسال داشتند و حتی همرا آن قاریانی هم فرستادند . قرآن هایی که به مرکز مختلف اسلامی فرستاده شد برای آن مرکز حکم مرجع را داشت و از روی آنها قرآن‌های دیگری نوشته می شد و به سایر نقاط آن مرکز ارسال می گردید . اگر در یک منطقه بین قرآن‌ها اختلافی بوجود می آمد قرآن مرکز حکم مرجع را داشت و اما مشکل از آنجا شروع شد که بین قرآن‌های مرکز اصلی هم اختلاف بود.

اما بعدها برای این اختلاف چاره ای اندیشیده شد و و قرآن مدینه را بعنوان قرآن مرجع در نظر گرفتند و به آن لقب ام یا امام دادند و هر گاه اختلافی بین قرآن‌های مرکز اصلی دیده می شد و کار به جاهای باریک کشیده می شد به قرآن مدینه مراجعه می کردند و اختلاف را حل می کردند البته همه این تلاش برای رفع اختلاف در واقع برای حفظ حکومت خود حاکمان وقت بود و نه از سر دلسوزی برای قرآن .

عثمان قانونی بسیار جدی وضع کرد و آن این بود که داشتن و خواندن هر قرآن دیگری غیر از قرآن عثمانی ممنوع شده و کسانی که از این دستور سر پیچی می کردند به سختی مجازات می شدند . تمامی این قرآن‌ها به خط کوفی بود که فاقد اعراب گذاری و نقطه بود که بعدها به رسم الخط عربی تغییر داده شد که باز هم موجب اختلافات زیادی در بین قرآن‌های رسمی آن زمان گردید البته هنوز هم برخی قرآن‌های به خط کوفی در موزه های دنیا و مکانهای مقدس مسلمانان وجود دارد که با قرآن‌های امروزی تفاوت هایی دارد بطور مثال در خزانه حرم امام حسین قرانی است منسوب به عثمان که با خط کوفی کهن نوشته شده است. با توجه به خالی بودن حروف آن از علایم و حجم بسیار بزرگ آن، با مصحف مدینه و یا مصحف شام هم‌آهنگ و همانند است. به خصوص که کلمه «یرتد» از سوره مانده (5) را به صورت «یرتد» ضبط کرده است. به احتمال قوی این قرآن،

از یکی از قرآن‌های عثمانی استنساخ شده و رو نوشتی از یکی از آن‌هاست .

مشخصات قرآن عثمانی:

حروف قرآن‌های عثمانی خالی از نقطه و علایمی بوده است که اعراب کلمات را نشان می‌دهد. این قرآن‌هاها به احزاب و اعشار و اخماس، تقسیم بندی نشده بود و مملو از غلط‌های املائی و تناقض‌هایی در رسم الخط بوده است. که علت آن، ابتدایی بودن خط عرب در آن زمان و فرهنگ بدوی آنها بوده است .

مشخصات کلی مصحف‌ها به شرح ذیل است :

### 1- ترتیب :

با توجه به اینکه ابی کعب سرپرستی کمیته نگارش قرآن را عهده دار بود قرآن عثمانی از نظر ترتیب با قرآن ابی کعب شباهت بسیاری داشت تنها در مواردی اندک با آن‌ها مطابقت نداشت، از جمله این که در مصحف‌های صحابه، سوره یونس در زمره هفت‌سوره بزرگ به شمار می‌آمد و هفتمین یا هشتمین این سوره‌ها بود .

اما عثمان، سوره انفال و سوره برانت را به عنوان يك سوره، در مرتبه هفتم از سوره‌های بلند (طوال) قرار داد و سوره یونس را در شمار سوره‌های منین در آورد و محل آن را تغییر داد. ابن عباس به این عمل عثمان اعتراض کرد و گفت: « به چه علت سوره انفال را که از سوره‌های مثانی است و سوره برانت را که از سوره‌های منین است، يك سوره به حساب آورده و «بسم الله الرحمن الرحيم» را از اول سوره برانت حذف کرده‌اید و در شمار سوره‌های بزرگ قرار داده‌اید؟ » عثمان در پاسخ گفت: « سوره‌هایی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می‌شد و پس از نزول آن‌ها، آیاتی نازل می‌گردید. پیامبر کاتبان وحی را احضار می‌کرد و به آنان می‌فرمود: این آیه‌ها را در فلان محل از فلان سوره بنویسید. سوره انفال از سوره‌هایی است که در اوایل هجرت در مدینه نازل شد و سوره برانت از نظر نزول، از آخرین سوره‌هاست. ولی مضمون این دو سوره با يك دیگر شبیه است و من گمان می‌کردم این دو سوره، یکی است. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در گذشت و بیان نکرد که برانت دنباله سوره انفال است. از این جهت من آن دو را به هم پیوستم و «بسم الله الرحمن الرحيم» را بین آن دو نوشتم و آن را در شمار هفت سوره بزرگ قرار دادم.

### 2- نقطه و علامت :

مصحف‌های عثمانی به مقتضای شیوه نگارش که در آن دوره میان مردم عرب رایج بود از هر نشانه و علامتی که حروف نقطه‌دار و بی‌نقطه را مشخص کند، خالی بود. و لذا بین ب و ت و ی و ث تفاوتی نبود. و نیز ج و ح و خ از يك دیگر تشخیص داده نمی‌شدند. هم چنین حرکت و اعراب کلمات، به وسیله فتحه، کسره، ضمه و تنوین نشان داده نمی‌شد. خواننده خود باید به هنگام قرائت با توجه به غلم خود، آن‌ها را از يك دیگر تمیز می‌داد، و وزن کلمه و چگونگی اعراب آن را شخصا می‌شناخت . از این رو در صدر اول، قرائت قرآن فقط به سماع و نقل موکول بود و جز از طریق شنیدن، قرائت قرآن تقریباً ممنوع بود. مثلاً بین کلمه‌های «تیلو»، «نبیلو»، «نتلو»، «تتلو» و «یتلو» هیچ فرقی وجود نداشت. هم چنین کلمه «یعلمه» از «تعلمه»، «نعلمه» و «بعلمه» تشخیص داده نمی‌شد. از این رو چه بسا آیه لتكون لمن خلفك آية به صورت «لمن خلفك» خوانده می‌شد .

ذیلا نمونه‌هایی از قرآن‌های مختلف که بر اثر خالی بودن مصحف‌ها از نقطه رخ داده است، آورده می‌شود :

- سوره بقره، آیه 259: « نئشزها»، « نئشرها»، « نئشرها»
- سوره آل عمران، آیه 48: « یعلمه»، « نعلمه»
- سوره یونس، آیه 30: « تبلوا»، « تتلو»
- سوره یونس، آیه 92: « ننجیک»، « ننجیک»
- سوره عنکبوت، آیه 58: « لنبوننهم»، « لننؤینهم»، « لنبونینهم»
- سوره سبا، آیه 17: « نجازی»، « یجازی»
- سوره حجرات، آیه 6: « فتبینوا»، « فتتبتوا»

در هر صورت خالی بودن قرآن‌های عثمانی از علایم و نشانه‌ها علت عمده پیدایش اختلاف قرآن‌ها در زمان‌های بعد بود، زیرا مردم به شنیدن و حفظ کردن قرآن اتکا داشتند و طبیعتاً هر موضوعی که متکی بر ذهن باشد در آن احتمال خط وجود دارد .

### 3- ناهنجاری نوشتاری :

اما رسم الخط قرآن‌های عثمانی، در مقایسه با رسم الخط عمومی و متداول، دارای ناهنجاری‌های املائی فراوان و تناقض‌های بسیار در نحوه نوشتن کلمات می‌باشد. علت این امر، عدم آشنایی عرب به فنون خط و روش‌های کتابت، در آن زمان بوده است. بلکه جز تعداد کمی از آنان نوشتن و

کتابت را نمی‌دانستند و خطی را هم که این عده اندک بدان می‌نوشته‌اند، خطی ابتدایی و در حد بسیار پایین و اولیه بوده است. علاوه بر این کسانی را که عثمان برای کتابت مصحف انتخاب کرده بود، افرادی بودند که به غایت نسبت به شیوه کتابت بی‌اطلاع بودند و هر چند که در آن وقت، خط در مرحله ابتدایی بود، ولی آنان بسیار بد خط بودند. همان گونه که ابن ابی داوود نقل می‌کند :

پس از تکمیل نسخه‌های مصاحف، مصحفی را نزد عثمان بردند، وی پس از دیدن آن گفت: «چه نیکو و زیبا تهیه کرده‌اید. ولی در آن ناهنجاری‌هایی رخ داده که عرب خود می‌توانند آن را به نحو صحیح تلفظ کنند». سپس گفت: «اگر املا کننده از قبیله هذیل و نویسنده از قبیله ثقیف بود، چنین اشتباهاتی در آن پیدا نمی‌شد» (المصاحف- سجستانی ص 32-33) ثعلبی در تفسیر خود، ذیل آیه ان هذان لساحران (طه 63:20) طبق می‌گوید: «عثمان گفت: در این مصحف ناهنجاری‌هایی دیده می‌شود که هر عربی به زبان خود آن را صحیح ادا می‌کند. به عثمان گفتند: آیا آن را تغییر نمی‌دهی؟ و به عبارت دیگر آیا تصحیح نمی‌کنی؟ گفت: لزومی ندارد، نه حلالی را حرام می‌کند و نه حرامی را حلال.»

نمونه‌هایی از مهم‌ترین اشتباهات رسم الخط موجود در قرآن :

- سوره / آیه / آیه / املاء صحیح  
 بقره/ 164/ «و اختلف الليل والنهار» / و اختلاف الليل والنهار»  
 مانده / 109/ علم الغيوب / علام  
 انعام/ 5/ «ياتيهم انبؤا»/ «انباء»  
 انعام/ 26/ و ينون عنه» / «يناون عنه»  
 انعام/ 52/ «بالغداوة» / «بالغداة» است و «و» بدون هیچ علت شناخته شده‌ای زاید است.  
 انعام / 94/ «فيكم شركوا»/ «شركاء»  
 هود/ 87/ «ما نشؤا» / «ما نشاء»  
 يوسف/ 87/ «انه لا يابئس» / «لا يياس»  
 براهيم/ 9/ «الم ياتكم نبؤا»/ «نبا»  
 ابراهيم/ 21/ «فقال الضعفؤا»/ «الضعفاء»  
 كهف/ 23/ «و لا تقولن لشيء» / «لشيء»  
 كهف/ 77/ «لو شئت لتخذت» / «لاتخذت»  
 طه/ 94/ «قال يبنؤم»/ «يا ابن ام»  
 نمل/ 21/ «او لا اذبحنه» / «لاذبحنه» است و الف بدون هیچ علت معقولى اضافه شده است.  
 نمل/ 29 / «يا ايها الملؤا» / «الملا»  
 روم/ 13/ «شفعؤا» / «شفعاء»  
 صافات/ 106/ «لهو البلؤ الميين» / «البلاء»  
 ص/ 13/ «و اصحاب لنيكة» / «الايسة»  
 زمر/ 69/ «و جئء بالنيبين» / «وجيء»  
 غافر/ 50/ «و ما دعؤا الكافرين» / «و ما دعاء»

هر گاه در نظر بگیریم که مصحف‌های آن روز بدون نقطه و فاقد هر گونه علامت و نشانه بوده است، به خوبی در می‌یابیم که قرانت قرآن از روی قرآنها آن زمان با مشکل روبرو بوده است. مثلا خواننده قرآن جا می‌دانست الذبحنه» زاید است و نباید خوانده شود و یا چگونه بفهمد که یکی از دو «یا» ی «بایید» در آیه و السماء بنیناها بایید زاید می‌باشد، و یا در کلمه «نشؤا» بدون هیچ علامتی از کجا خواننده می‌فهمد که و او زاید است و الف ممدوده است و تلفظ همزه بعد از الف است؟ موضوع عجیب‌تر وجود تناقض در رسم الخط قرآنهاى عثمانى است، به نحوی که کلمه‌ای را در جایی به شکلی نوشته‌اند و همان کلمه را در جای دیگر به شکلی دیگر و این خود نشان می‌دهد که نویسندگان اولیه تا چه حد بی‌سواد بوده‌اند. و این نشان دهنده فرهنگ اعراب در آن زمان است که باسوادترین و نخبگان آنان چنین بوده‌اند مثلا در آیه 247 سوره بقره کلمه «بسطه» با سین و در آیه 69 از سوره اعراف با صاد «بسطه» نوشته شده است. و نیز کلمه «ببسطه» در آیه 26 سوره رعد با سین و در آیه 245 بقره با صاد ضبط گردیده است. از این قبیل تناقضات در قرآنهاى عثمانى زیاد وجود دارد.

نمونه‌هایی از این تناقضات که نشانه بی‌سوادی نخبگان عرب در آن زمان می‌باشد :

- سوره آیه/ املاء قدیم/ سوره آیه/ املاء معاصر  
 كهف/ 77 / لو شئت لتخذت / اسراء / 73 / اذا لاتخذوك  
 شعراء / 176 / اصحاب لنيكة ص 13 / حجر 78 و ق 14 / اصحاب الايسة  
 ابراهيم / 21 / فقال الضعفؤا / توبه / 91 / ليس على الضعفاء

/یونس 49 / فلا یستخرون ساعة / اعراف 34 / لا یستخرون ساعة /  
 /غافر 50 / و ما دعوا الكافرين / رعد 14 / و ما دعاء الكافرين  
 /حج 10 / لیس بظلم للعبید / آل عمران 182 / لیس بظلام للعبید  
 /فرقان 9 / ضربوا لك الامثل / اسراء 48 / ضربوا لك الامثال  
 /قمر 6 / یوم یبع الداع / بقره 221 / و الله یدعوا الی الجنة  
 /بقره 28 / فاحیكم ثم یمیتکم / حج 66 / احیاکم ثم یمیتکم  
 /قریش 2 / ای لفهم رحلة / قریش 1 / لایلف قریش  
 /طه 94 / قال ینوم / اعراف 150 / قال ابن ام  
 /هود 87 / فی اموالنا ما نشوا / حج 5 / فی الارحام ما نشاء  
 /ابراهیم 34 / و ان تعدوا نعمت الله / نحل 18 / و ان تعدوا نعمة الله  
 /فاطر 43 / فلن تجد لسنة الله /فتح 23 / و لن تجد لسنة الله  
 /فاطر 40 / علی بینت منه / محمده 14 / علی بینة من ربه  
 /یوسف 25 / لذا الباب / غافر 18 / لدى الحناجر  
 /الحاقه 11 / طغا الماء / النازعات 17 / انه طغی  
 /كهف 23 / و لا تقولن لشاءء / كهف 45 / و كان الله علی كل شیء  
 /مؤمنون 24 / فقال الملوا / مؤمنون 33 / و قال الملا  
 /الرحمان 31 / ایه الثقلان / یس 59 / ایها المجرمون

خواننده عزیز می بیند که در مورد قرآن چه اوضاع اسف بارى وجود داشته و در تاریخ این کتاب چقدر دستخوش تغییر شده است و عجیب آنکه مسلمانان با وقاحت تمام مدعی محفوظ بودن قرآن از هر گونه تحریفی می باشند و نکته ای که شاید برایتان جالب باشد اینکه هم اکنون نیز بین قرآنهاى مختلف عربى اختلافاتی وجود دارد که آنها را در قسمت های بعدی بررسی خواهیم کرد

توضیح:

- 1) همانطور که قبلا گفتیم در این وبلاگ بطور تخصصی در مورد قرآن می نویسم. هدف من بودن یک مرجع در مورد واقعیات کتابی است که قرن‌ها به گوش ما می خوانند از هر گونه تحریفی به دور بوده است.
- 2) استفاده از مندرجات این وبلاگ با ذکر ماخذ یا بدون آن کاملاً آزاد است چون همه ما باید هدفمان روشن‌گری باشد و بس .
- 3) اگر مطالب این وبلاگ کمی از حالت عامیانه در آمده بخاطر تخصصی شدن آن است
- 4) برای اینکه خود را از این اتهام که منابع من درست نیست خارج کنم از این پس بعد از هر ادعا منبع آن را هم می نویسم .
- 5) در وبلاگ [از اسطوره تا واقعیت](#) مطلب خواندنی در موردسوره یوسف از خانم [نادره افشار](#) وجود دارد که خواندن آن را توصیه می کنم من هم مقالهای در باره همین سوره دارم که برای گردانندگان این وبلاگ خواهم فرستاد که اگر مناسب بدانند در آن قرار خواهند داد .

درفش کاویانی



[/http://derafsh-kavivani.com/parsi](http://derafsh-kavivani.com/parsi)